[37] می نشست را نیز غارت کردند وردا را از دوش آن حضرت برداشتند. 2 - تکفیر امام: کار جهل وسیه دلی یاران امام به جائی رسید که بعضی حکم به تکفیر فرزند پیامبر دادند، وجراح بن سنان بقصد کشتن امام برایشان تاخت وفریاد زد: أي حسن تو هم مانند پدرت مشرك شدی، تعجب از آنجاست که گروهی این تجاوز وگستاخی به ساحت قدس فرزند پیامبرشان دیدند ولی سکوت نمودند واو را سرزنش نکردند. 3 - سوء قصد به امام: دردها ورنجهای امام به اینجا پایان نیافت بلکه دردهای بزرگتری نیز در انتظار ایشان بود، آن حضرت بوسیلهء رشوه گیران وخوارج سه بار مورد سوء قصد واقع شد: یکبار بهنگام نماز تیری بسوی آن حضرت انداختند ولی به حضرتش آسیبی نرسید، بار دیگر جراح بن سنان بر ران آن حضرت ضربتي فرود آورد. شیخ مفید در این مورد گوید: امام برای تشخیص میزان فرمانبری اصحابش خطبه أي خواند وتصمیم خود به صلح را بیان داشت، زمزمه هایی بلند شد که این مرد کافر شده است، از اینرو به خیمه امام هجوم آورده وآنرا غارت کردند ومرد تبهکاری بنام عبد الرحمان بن عبد ا بن جعال ازدی بر امام حمله برد وعبا را از دوش ایشان برداشت، امام را از آنجا حرکت دادند، چون امام به (مظلم ساباط) رسید مردی از بنی اسد بنام جراح بن سنان دشنه أي بیرون کشید وافسار قاطر امام را گرفت وفریاد زد: ا اکبر، أي حسن تو هم مانند پدرت به خدا شرك آوردی، وبا دشنه اش ران امام را درید، امام گردن أو را کشید، وهر دو بر زمین افتادند، دو نفر از شیعیان به یاری آن حضرت شتافتند، وآن حضرت که به سختی